سمعک ۲۶۳

هفته‌نامه انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه بیرجند

سال هفدهم
هفته دوم
آبان ماه ۱۴۰۵



نظرات، پیشنهادات و انتقادات: ۰۹۹۳۳۴۰۷۶۲۹ | ایتا، روبیکا و اینستاگرام: @cafe_mostaghel

برگزیده‌ها

چرا وزیر نفت استعفا داد؟
صفحه ۲

نه محبوس در خانه، نه رها در تجدد
صفحه ۳

مدرسه؛ محلی برای آموزش علم یا رقص؟
صفحه ۳

معیشت مردم قربانی وفاق
صفحه ۵

ایران در مدار آینده
صفحه۷

آزادی بیان به سبک غرب!



بیانات رهبری

من به شما عرض بکنم؛ فقط این نیست که در کشورهای شمال آفریقا و منطقه‌ی غرب آسیا که امروز ما در آنجا قرار داریم، حرکات بیداری‌ای به وجود آمده باشد؛ این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپایی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آن‌ها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است. حرکت ملت ایران، امتداد و عمقش اینهاست؛ حرکت عظیمی است.

۱۳۹۰/۰۲/۱۴

بررسی ابعاد حکم علیرضا سپاهی

چهار اعدام؛ حکمی برای یک نفر



امیر جمالی
دبیر کمیته نشریات

پرونده علیرضا سپاهی، یکی از متهمان پرونده موسوم به میدان علیخانی اصفهان، پس از بررسی و گذشت ۹ ماه، اجرا و سپاهی در ۱۳ مهرماه ۱۴۰۵ اعدام شد. این اعدام هم بار دیگر به موضوعی برای فریاد عده‌ای در فضای رسانه‌ای تبدیل شد. انتشار خبر ازدواج او با مهشاد کشانی، دیگر متهم این پرونده، در روزهای پایانی پیش از اجرای حکم نیز به این ماجرا ابعاد تازه‌ای داد.

اما چه چیز باعث اعدام سپاهی شد؟

بر اساس روایت رسمی دستگاه قضایی، علیرضا سپاهی از متهمان اصلی پرونده میدان علیخانی اصفهان بود؛ پرونده‌ای که به شهادت چهار مأمور پلیس در جریان حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ منجر شد. قوه قضائیه اعلام کرد که سپاهی با اتهاماتی از جمله محاربه، افساد فی‌الارض و عضویت در گروه باغی روبه‌رو بوده و حکم اعدام او بر اساس مجموعه‌ای از مستندات، گزارش‌ها، اظهارات و شواهد پرونده صادر شده است.

به شهادت رسیدن مأموران پلیس آن هم با آن شکلی که این داعشی ها انجام می‌دادند، مسئله‌ای نیست که بتوان آن را با هیجان‌های سیاسی یا اختلاف‌نظرهای اجتماعی توجیه کرد.

علیرضا سپاهی همان کسی بود که وقتی همسر باردار مامور پلیس با شوهرش تماس می‌گیرد، این شخص جواب می‌دهد و مستقیم می‌گوید که شوهرت را داریم سلاخی می‌کنیم؛ سپاهی کسی بود که بعد از ده ها ضربه چاقو، بنزین روی حافظان امنیت ریخت و آنان را سوزاند.

تخریب و سوزاندن اموال عمومی، سربریدن، زنده زنده سوزاندن و تکه تکه کردن حافظان امنیت، جرمی است که اگر تنها یکی از این افراد در کشور های مدعی آزادی اجرا می‌شد، قطعا عاملان آن را در انظار خلق می‌سوزاندند. همان‌طور هم که مشاهده شد، چندی پیش در فرانسه نوجوانانی که هنوز به سن قانونی نرسیده بودند را با آن وحشی گری می‌گرفتند. در همه جای دنیا هرگونه اقدام عامدانه علیه جان انسان‌ها باید بر اساس قانون بررسی شود و مسئولیت عاملان آن نیز با توجه به ادله معتبر مشخص شود؛ اما در آمریکا می‌بینیم که پلیس فقط بخاطر چپ نگاه کردن یک زن، او را از ادامه زندگی محروم می‌کند و کسی هم نمی‌تواند بگوید چرا..! چون قانون است و پلیس اختیار تام در حفاظت از شهر دارد.

اما از جنایات علیرضا سپاهی و امثال آن که بگذریم، چشممان به خبری می‌خورد که اگر دقت نکنیم، بین واقعیت و آنچه رخ داده است گم می‌شویم.

عقد علیرضا سپاهی و مهشاد کشانی پیش از اجرای حکم

انتشار فایل صوتی خطبه عقد سپاهی و کشانی در آستانه اجرای حکم، باعث شد دوباره حامیان آزادی جنسی و سینه چاک های انسانیت صدایشان از درون زباله دان تاریخ شنیده شود. اما ماجرا چه بود؟

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، این دو پیش از بازداشت در رابطه بودند و خطبه عقد پس از درخواست سپاهی، با وکالت پدرانشان خوانده شد. در مقابل، مقام‌های قضایی اصل وجود رابطه زوجیت را تأیید نکردند و اعلام کردند مدرک رسمی معتبری در پرونده زندان برای اثبات آن وجود نداشته است.

اما بازهم نمی‌توان صرفاً با تکیه بر زمان انتشار خبر، درباره انگیزه واقعی این ازدواج، که آیا برای تعلیق حکم این کار را انجام داده یا علاقه بیش از حد، قضاوت قطعی کرد.

همانطور که مشخص است، تبدیل یک پرونده وحشیانه قضایی به روایتی صرفاً احساسی، قاعدتا توجه افکار عمومی را از اصل اتهامات و حقوق قربانیان دور می‌کند. نباید منبع ما رسانه‌هایی باشند که اقدامات وحشیانه و عامدانه علیرضا سپاهی را نادیده می‌گیرند و طوری بیان می‌کنند که انگار نظام حکمرانی از روی بازی این شخص عاشق پیشه را اعدام کرده است. مردم باید رسانه‌ای را دنبال کنند که میان اطلاع‌رسانی درباره زندگی شخصی افراد و استفاده ابزاری از این موضوعات برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی تفاوت قائل شود.

سیاسی

بررسی مواضع اخیر مسئولین موضع قاطع؛ گمشده روابط بین‌الملل

در روابط بین‌الملل و مسائل سیاسی میان کشور ها، موضوع واکنش مناسب و موضع گیری صریح و قاطع همیشه جزء مسائل مهم و تاثیرگذار بوده است. به گونه ای که امروزه می توان تاثیر بسزای آن را در نبرد رسانه ای نیز مشاهده کرد. کوچک‌ترین سخن و توییت مسئولین ما، به قدری روی قیمت نفت و حامل های انرژی تأثیر می گذارد که باعث به لرزه درآمدن پایه های اقتصاد جهان می شود. بنابراین مواضع صریح و قاطع مسئولان در موضوعات مختلف علی الخصوص در مقابل کشور های همسایه و یا کشور هایی که با ما دشمن هستند، می تواند بسیار بازدارنده، مفید و اقتدار آفرین باشد.

مواضع مسئولین در ماه های گذشته نسبت به کشور های مختلف چه بود؟

نسبت به این موضوع انتقادات زیادی به عملکرد مسئولین وارد است. اینکه چرا پس از گذشت ماه ها، هنوز سفری به چین توسط نماینده ایران در امور چین انجام نشده است؟

اینکه چرا در برابر برخی از کشور های همسایه که بر علیه امنیت ملی ایران اقدام کردند و در زمینه های مختلف فرهنگی و اجتماعی نیز بر علیه مسلمانان فعالیت می کنند موضع قاطعی گرفته نمی شود؟

برای مثال دولت آذربایجان که در زمان جنگ ۴۰ روزه از هیچ کمک نظامی به رژیم صهیونیستی دریغ نکرد و امروزه نیز با منع ورود دختران با حجاب به مدارس، سعی در کمرنگ کردن نقش اسلام دارد، هیچ واکنش و پاسخی از سوی مسئولین ما داده نمی شود. این مورد برای برخی از کشور های عربی حاشیه خلیج فارس نیز مطرح است.

البته در این بین برخی از مسئولین نیز بودند که مواضع شان نه تنها باعث امیدواری ملت ایران می‌شد بلکه موجب خشم دشمنان و وارد آمدن فشار های اجتماعی و اقتصادی به آنها می‌شد.

بنابراین انتظار می رود که مسئولین ما به پشتوانه این ملت مبعوث، در برابر جسارت ها و تهدید های برخی از کشور ها مخصوصا کشور های همسایه موضعی صریح و قاطع داشته باشند.

عرفان صادقی

دبیر کمیته سیاسی

میراث پاک نژاد زیر ذره بین

چرا وزیر نفت استعفا داد؟



فاطمه چاحوضی

مسئول واحد خواهران

وقتی به استعفای اخیر محسن پاک‌نژاد نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم آن را صرفا یک کناره‌گیری ساده بدانیم، آقای پزشکیان بعد از یک سال تردید و در میانه بحران‌های انباشته‌شده، با این استعفا موافقت کرد، حال جای سوال است که جناب پاک‌نژاد به دلیل مسئله شخصی خواست که برود یا بار مسئولیت نتایج تصمیمات کلیدی‌اش در شبکه فروش نفت، ماندن را برایش غیرممکن کرده بود؟ به نظر این استعفا بیشتر پوششی بر ناکامی‌های مدیریتی است که در طول یک سال تصدی او، بدنه اقتصاد انرژی را دچار اختلال کرده است.

از تغییر در مدل فروش نفت شروع می‌کنم؛تغییری که با تضعیف ساختار شرکت نیکو که مسئولیت فروش مستقیم به پالایشگاه‌های چینی را بر عهده داشت، روبه‌رو بود. ما در فروش نفت، شبکه‌ای جاافتاده و آزموده‌شده داشتیم که به‌رغم تمام فشارها، کار می‌کرد. اما در این دوره، شرکت نیکو تضعیف شد و به بهانه نوآوری، شیوه‌هایی اتخاذ شد که عملا ما را به رقابت منفی با خودمان واداشت و به تخفیف‌های فروش نفت منجر شد، علاوه بر آن، این تغییرات ساختاری نه‌تنها نتوانست منجر به افزایش تولید شود بلکه در بسیاری از مقاطع، تولید نفت با رکود یا کاهش نسبی همراه کرد. قدرت فروش ما به جای تقویت، به دلیل نبود یک مدیریت متمرکز، به شدت تضعیف شد و اکثر درآمدهای فروش نفت به کشور برنگشت. اما نکته‌ای که نباید در این هیاهو گم شود مفهوم «کودتای تراستی‌ها» است. این فقط یک اصطلاح نیست؛ ما شاهد شکل‌گیری شبکه‌ای بودیم که فروش نفت و انتقال پول را از مسیرهای رسمی و شفاف خارج کرد و به دایره‌ای محدود از تراستی‌ها (واسطه‌ها و کارگزاران فروش) سپرد که ساختارِ فروش مستقیم نفت را تغییر دادند تا مسیر بازگشت میلیاردها دلار ارز حاصل از فروش نفت را به نفع خود تغییر دهند. ارقام ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار، رقم‌های کمی نیست چرا که قدرت مدیریت ثروت ملی به دست جریان‌های تراستی و واسطه‌ای سپرده شده و هنوز به کشور باز نگشته است. حال نقش وزیر نفت چه بود؟ آیا او قربانی یک قربانی بود یا خود او معمار این تغییرات به سود جریانِ تراستی‌ها بوده است؟ مسئولیت این کودتا متوجه شخص وزیر است؛ چرا که او با تغییر مسیر درآمدها و ایجاد بستر نفوذ برای واسطه‌ها، عملا راه را برای این جریان باز کرد. این داستان پرغصه پول‌های نفت است که در خارج از ایران در اختیار شبکه‌ای قرار گرفته که با آن به جای برطرف کردن مشکلات مردم، خرج زندگی پرزرق و برق در کشورهای دیگر می‌شود. داستانی که شاید بسیاری نمی‌خواهند پای آن به رسانه‌ها کشیده شود چرا که رقم آن سه و نیم برابر فساد چای دبش است!

این تراستی‌ها، نه تنها به نفع کشور عمل نکردند، بلکه به اهرمی تبدیل شدند که گلوگاه‌های اقتصادی ما را در دست گرفتند و اینکه درآمدهای ملی، به‌جای گردش در مجاری حاکمیتی، در هزارتوی شرکت‌های واسطه گم شود، نشان‌دهنده یک کودتای نرم در مدیریت منابع است.

حتی بر این باورم که نمی‌توان عملکرد ضعیف وزارت نفت را از حوادث دی‌ماه و شرایط دشوار جنگ اقتصادی جدا دانست. کسی از خود نمی‌پرسد در روزگاری که هر تصمیم اقتصادی ما یک پیام سیاسی به دشمن مخابره می‌کند، این سوءمدیریت چه پیامی به دشمن می‌فرستد؟ وقتی درآمدهای یک کشور بر اثر تصمیم‌های غیرکارشناسی آب می‌شود، آسیب‌پذیری‌اش در برابر فشار بیرونی چند برابر می‌شود، این دقیقا همان چیزی بود که جبهه مقابل می‌خواست؛ چون اقتصادِ ضعیف، بهترین دعوت‌نامه برای تحمیل اراده‌ی بیگانه است. زمینه حمله و فشار، اتفاقا در همین اتاق جلسات برخی وزیرهای محترم فراهم شد، نه فقط در میدان‌های نبرد.

در واقع، وزارت نفت در دوران آقای پاک‌نژاد، به‌جای آنکه به یک سپر دفاعی در برابر تحریم‌ها تبدیل شود، خود به یکی از گره‌های کور مدیریت منابع ملی بدل گشت.

در نهایت، کارنامه آقای پاک‌نژاد مجموعه‌ای از تصمیمات پرریسک است که سرانجام، امنیت مالی و انرژی کشور را در معرض خطر قرار داد. وی با استعفا شاید صورت مسئله را در ظاهر پاک کند، اما واقعیت آنچه در دوران او گذشت، نیازمند یک پاسخ‌گویی بسیار شفاف است و نباید به عنوان یک اشتباه ساده از کنارش عبور شود.

بررسی ابهامات بزرگ پیرامون حکم رسایی

حبس منتقد یا تسویه‌حساب سیاسی؟



نرگس حسینی

دبیر کمیته آموزش

در تاریخ ۵ مهرماه ۱۴۰۵، خبری مبنی بر دستگیری آقای حمیدرضا رسایی، نمایندهٔ مردم تهران، و محکومیت ایشان به ۱۰ ماه حبس منتشر شد. این حکم در پی رسیدگی به شکایت سه‌سالهٔ آقای قالیباف با عنوان «نشر اکاذیب» صادر شده است.

در نگاه اول، شاید این خبر یک روال اداری و قضایی ساده به نظر برسد و گفته شود دستگاه قضایی کار خود را انجام داده و پرونده‌ای حقوقی را به سرانجام رسانده است؛ اما وقتی با دقت و از نزدیک به ماجرا نگاه می‌کنیم، ابهام‌ها و پرسش‌های اساسی زیادی در افکار عمومی شکل می‌گیرد که نقد جدی این تصمیم را ناگزیر می‌کند.

اساساً مفهوم عدالت و زیبایی رعایت آن در جامعه، و همچنین ضرورت پایبندی به قانون در ساختار حکمرانی، زمانی ارزش واقعی پیدا می‌کند که قانون برای همهٔ افراد جامعه، از هر قشر و طبقه‌ای و با هر پست و مقامی، رعایت شود. اما متأسفانه رویکردی که در سال‌های اخیر در دستگاه قضایی دیده شده، این تصور را در ذهن مردم ایجاد کرده که نوعی تبعیض و استانداردهای دوگانه در برخوردها وجود دارد و در برخورد با برخی افراد صاحب‌منصب کوتاهی‌هایی صورت می‌گیرد.

مردم فراموش نکرده‌اند که در موارد متعددی، رفتارهای هنجارشکنانه، مفاسد سنگین و اظهارات ساختارشکنانهٔ نزدیکان و فرزندان برخی مسئولان با سکوت و بدون هیچ واکنش قاطعی سپری شد؛ اما در مقابل، یک نمایندهٔ منتقد با چنین سرعتی به حبس محکوم می‌شود.

مهم‌ترین موضوع، زمان‌بندی بسیار معنادار صدور این حکم است. چرا پرونده‌ای که سه سال تمام مسکوت مانده و خاک می‌خورد، دقیقاً در مقطعی فعال می‌شود که این نماینده نقدهای تند و بی‌پرده مطرح می‌کند؟ رسایی در جنگ حال حاضر، به‌عنوان نمایندهٔ مردم، میدان‌دار و در تلاش برای احقاق حق و مطالبهٔ خواسته‌های مردم است؛ یکی از مهم‌ترین این مطالبات، بازگشایی مجلس شانزدهم شورای اسلامی است که قریب به هشت ماه است بسته مانده و برخی نمایندگان و رئیس مجلس دلایل غیرقابل‌قبولی برای عدم بازگشایی آن مطرح می‌کنند. آیا در این برهه، مسائل مردم اهمیت بالاتری دارد یا از سرگیری پروندهٔ شکایت شخصی؟ این همزمانی باعث شده خیلی‌ها بگویند این حکم نوعی تسویه‌حساب سیاسی و تلاشی هدفمند برای مهار منتقدان و ترساندن دیگران از ادامهٔ مطالبه‌گری است. تجربه نشان داده هر وقت نقدی صریح بر ناکارآمدی‌ها وارد می‌شود، ناگهان پرونده‌های قدیمی بیرون می‌آیند تا توجه جامعه منحرف شود.

از طرف دیگر، مردم می‌پرسند چرا در شرایطی که جامعه با بحران اقتصادی، رکود، تورم سرسام‌آور، کاهش ارزش پول ملی، بی‌ثباتی بازار و تهدیدهای امنیتی و منطقه‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند، اولویت کشور باید پرداختن به چنین شکایت‌ها و منازعات شخصی و جناحی باشد. افکار عمومی منتظر برخورد قاطع با ابربدهکاران بانکی، اختلاس‌های هزار میلیاردی، مافیای ارز و خودرو و مفسدان دانه‌درشت است، نه حبس نماینده‌ای که انتقاد کرده، آن هم به دلیل شکایتی که چند سال پیش مطرح شده است. عدالت واقعی زمانی حاکم است که رسیدگی به مطالبات حیاتی مردم و برخورد با ریشه‌های فساد در اولویت قرار گیرد و از تبدیل دستگاه قضایی به میدان تقابل‌های سیاسی جداً پرهیز شود.

در نهایت، انتظار می‌رود دستگاه قضا با تمرکز بر اولویت‌های اصلی کشور و عدالت واقعی، از ایجاد شائبهٔ جناحی‌گری دوری کند. حل مشکلات معیشتی مردم و حفظ آرامش عمومی، طبعاً در این بازه زمانی مهم‌تر از رسیدگی به پرونده‌های شخصی است که اعتماد عمومی را خدشه‌دار می‌سازد.

تجلی الگوی سوم زن مسلمان ایرانی

نه محبوس در خانه، نه رها در تجدد

مهدیه کمالی
دبیر روابط عمومی

مسئله‌ی جایگاه زن در خانواده و اجتماع، یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود که همواره محل بحث و چالش بوده است.پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از مسائلی که به‌شکلی جدی مورد بحث و توجه افکار عمومی قرار گرفت، موضوع «زن» بود. انقلاب اسلامی در فضایی به پیروزی رسید که مکاتب گوناگون و ایدئولوژی‌های سکولار و مدرن، هریک بر اساس مبانی و جهت‌گیری‌های خود، نگاه خاصی به مقوله‌ی زن را ترویج می‌کردند و فرهنگ عمومی جوامع مختلف نیز تحت تأثیر این نگاه‌ها شکل می‌گرفت. در میان دیدگاه‌های گوناگونی که هرکدام بر مبانی خاصی استوار بودند، انقلاب اسلامی رویکردی جدید و تحول‌آفرین در نگاه به زن ایجاد کرد و الگویی به نام «الگوی سوم زن مسلمان ایرانی» را عینیت بخشید؛ الگویی که از منظومه فکری رهبر شهید انقلاب استخراج شده است و نشان می‌دهد که این الگو با آیین اسلام مطابقت دارد، خط‌مشی زندگی زن در انقلاب اسلامی را مشخص می‌کند

تفاوت این دیدگاه با شرق و غرب جهان

زن غربی به دلایل مختلف تصمیم گرفته است از خانواده و نقش‌های سنتی خود در خانه فاصله بگیرد؛ به‌طوری‌که برای او انتخاب‌های فردی و جامعه بر خانواده اولویت دارند. در مقابل، زن شرقی در خانه محدود شده و به‌نوعی خود را با نقش‌های خانگی تعریف می‌کند؛ او در حاشیه قرار دارد و در تاریخ‌سازی نقشی ایفا نمی‌کند، به‌گونه‌ای که حتی فرزندانش نیز ممکن است



نتوانند در تاریخ‌سازی جامعه نقش داشته باشند.

«الگوی سوم زن» الگویی میان این دو دیدگاه است که علاوه بر متمایز کردن زن انقلاب اسلامی از زنان دیگر، یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی نیز محسوب می‌شود. این الگو بیانگر شخصیت و جایگاه زنی است که رسالت‌های اجتماعی دارد، اما این رسالت‌ها را با محوریت خانه و خانواده تنظیم می‌کند. او با تکیه بر نقاط قوت زنانه‌ای که خدای متعال در وجودش قرار داده است و با برخورداری از ایمان عمیق، عفت و پاک‌دامنی که به فضای پیرامونش نورانیت می‌بخشد، می‌تواند نقشی استثنایی در جامعه ایفا کند. این الگو، زن را موجودی مستقل با هویتی انسانی و الهی معرفی می‌کند. این نگاه، به‌ویژه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مورد تأکید قرار گرفته است و زنان را به‌عنوان محور خانواده و از مؤثرترین نیروهای اجتماعی معرفی می‌کند. در این راستا، زنان به‌عنوان عاملان اصلی تربیت نسل‌های انقلابی و مؤمن و همچنین جهادگران فرهنگی و اجتماعی، نقشی کلیدی دارند.

جایگاه زن در الگوی سوم

زن در این الگو محور خانواده است، اما همزمان می‌تواند در تاریخ‌سازی جامعه نقش‌آفرینی کند.

در رویدادهایی همچون مشروطه، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که از حماسه‌های تاریخ شیعه به شمار می‌روند، ممکن است در نگاه نخست چنین به نظر برسد که زنان در میدان حضور نداشته‌اند؛ اما واقعیت این است که آنان با تربیت اسلامی، در بسیاری از عرصه‌ها پیشتاز بوده‌اند؛ به‌طوری‌که امام خمینی (ره) فرمودند: «اگر زنان نبودند، انقلاب ما به ثمر و پیروزی نمی‌رسید.»

تجلی در عرصه‌های مختلف

در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می‌توانند الگوی زن را در عرصه‌های رشد و تهذیب، حفظ خانواده‌ی متعادل، ولایت اجتماعی، جهاد امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی، در سطح جهانی مطرح کنند.

با این حال، تحقق این الگو با چالش‌هایی روبه‌روست که مهم‌ترین آن‌ها تهاجم فرهنگی غرب و نگرش‌های متحجرانه‌ی داخلی است. همچنین، کمبود آموزش و محدودیت‌های اقتصادی و شغلی از دیگر مشکلاتی هستند که زنان در مسیر تحقق الگوی سوم با آن‌ها مواجه هستند. با وجود این، فرصت‌هایی همچون وجود الگوهای موفق زنان انقلابی و مادران شهدا، حمایت نظام اسلامی در زمینه آموزش و اشتغال و توانمندی‌های علمی و فرهنگی زنان می‌توانند به تحقق این الگو کمک کنند. در نهایت، می‌توان گفت زنان ایرانی با بهره‌گیری از حمایت‌های نظام جمهوری اسلامی و تکیه بر آموزه‌های دینی و انقلابی، می‌توانند نقشی مهم در ساختن جامعه‌ای اسلامی و پیشرفته ایفا کنند.

عدم برخورد قوه قضاییه با معلمان هنجارشکن

مدرسه؛ محلی برای آموزش علم یا رقص؟

زهرا حجازی
قائم مقام کمیته نشریات

شاید تصور اینکه فضای مدارس با آن همه تقدس و نقش ویژه در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، روزی تبدیل به عرصه رقص و آواز شود پیش از این غیرقابل باور می‌نمود، اما این روزها تکرار یک خبر عجیب و دیدن برخی تصاویر و کلیپ‌های منتشرشده از مدارس، معادلات نگران‌کننده‌ای را به وجود آورده است.

اینکه در برخی از کلیپ‌ها دیده می‌شود دانش‌آموزان مدارس، اعم از دختر و پسر، مشغول همخوانی ترانه‌های عجیب‌وغریب و مسئله‌دار، از جمله آهنگ زشت و مستهجن یک خواننده قبلاً زیرزمینی و اکنون خارج‌نشین، همراه با رقص و کارهای دور از شأن مدرسه هستند، این سؤال را به وجود می‌آورد که مگر این مدرسه‌ها در این کشور نیستند و یا در چارچوب و قوانین و عرف حاکم بر این جامعه مدیریت نمی‌شوند.

البته باید گفت طبعاً کسی با شادی و نشاط دانش‌آموزان مخالف نیست، اما ایجاد محیط جذاب و نشاط‌افزا برای دانش‌آموزان باید از مسیر صحیح و غیرمخرب و با استفاده از ظرفیت‌های غنی موجود در فرهنگ ایرانی اسلامی باشد. به نظر می‌رسد کشاندن این نیاز به سمت ناهنجاری، خبر از غفلت مسئولان امر و تلاش مروجان فرهنگ ابتذال برای نفوذ در بین دانش‌آموزان می‌دهد.

مسئولان نظام آموزشی ما سنگین‌ترین وظیفه را در ترویج فرهنگ دینی و جلوگیری از



ناهنجاری‌هایی که نوعی مقابله با دین و فرهنگ این ملّت است بر دوش دارند. باید همواره فعالیت‌هایی را که در سطح مدارس و دبیرستان‌ها صورت می‌گیرد رصد کنند؛ چرا که در برابر نسلی که به امانت به آنها سپرده شده‌اند مسئول هستند و بابت هرگونه کوتاهی، هم در پیشگاه ملّت و هم نزد خدا و خون شهدا مسئول‌اند. اول حجاب را رها کردند و مانتوی معلمان کوتاه و کوتاه‌تر شد، مقنعه‌ها همین‌طور عقب‌تر رفتند و حالا هم ناهنجاری جدیدی را آغاز کرده‌اند و دارند منتشر می‌کنند. حرکات موزونی که مناسب فضای آموزش و تعلیم نیست، و شأن کلاس درس و جایگاه والای معلم را پایین می‌آورد.

اتفاقاتی که این روزها در مدارس رخ داده و کلیپ‌هایی که پخش می‌شود، برنامه‌ای از پیش طراحی‌شده برای تضعیف روحیه معنوی ملّت ایران، تقویت ناهنجاری‌های اجتماعی و هنجارشکنی و مقابله با فضای ایمان و معنویت است. قطعاً پشت پرده این قضایا، همان آرایش جنگ فرهنگی دشمن است و ما در مقابل این هنجارشکنی‌ها نباید بی‌تفاوت باشیم.

بر اساس تحلیل‌های رسمی، هدف از انتشار این کلیپ‌ها در چارچوب «جنگ فرهنگی» تعریف می‌شود: قبح‌زدایی از ناهنجاری‌ها و تغییر تدریجی هنجارهای اجتماعی از طریق عادی‌سازی رفتارهای مغایر با فرهنگ دینی. همچنین هدف دیگر، ایجاد بحران هویتی در نسل دانش‌آموز و نفوذ در محیط‌های آموزشی برای تضعیف انسجام ملی و ارزش‌های جامعه عنوان شده است.

از طرفی مسئولیت پیگیری این موارد مشترک است: وزارت آموزش‌وپرورش مسئول نظارت، گزینش معلمان و برخورد اداری است.

برخوردهای اداری مانند تذکر، عزل مدیر یا لغو مجوز مدرسه نیز در حوزه اختیارات این وزارتخانه است.

قوه قضاییه مسئول پیگیری کیفری و برخورد قضایی با عوامل هنجارشکنی و انتشار کلیپ‌ها است.پس دولت باید پیشگیری و برخورد اداری کند و قوه قضاییه تعقیب کیفری؛ هر دو در این موضوع مسئول هستند. همچنین مقامات قضایی و نهادهایی مانند ستاد امر به معروف بر ورود قوه قضاییه تأکید کرده‌اند.

اقدام نکردن علیه این مسائل باعث عادی‌سازی تدریجی ناهنجاری و گسترش آن به مدارس دیگر می‌شود. سکوت و بی‌تفاوتی مسئولان، پیام اشتباهی به دیگر مدارس می‌فرستد و مرز میان مجاز و غیرمجاز را کمرنگ می‌کند. اقتدار معلمان و مسئولان آموزشی تضعیف می‌شود و بی‌اعتمادی خانواده‌ها به نظام تعلیم و تربیت افزایش می‌یابد. در بلندمدت، هویت دینی و ملی نسل دانش‌آموز آسیب می‌بیند و زمینه برای جسارت بیشتر مروجان ابتذال فراهم می‌شود.

فرهنگی

برخورد جدی با ناهنجاری‌ها؛ از حرف تا عمل

ناهنجاری‌های اجتماعی و بی‌تفاوتی نسبت به آنها از مسائلی است که استمرار آن از طرف هنجارشکنان، موجب افول یک فرهنگ می‌شود. هر جامعه‌ای برای حفظ آرامش، به قانون و نظارت نیاز دارد. در جامعه کنونی ما، رکن اول آرامش، یعنی قانون وجود دارد؛ اما عاملی که باعث می‌شود باوجود قانون بازهم ناهنجاری در جامعه شکل بگیرد، عدم نظارت یا نظارت اندک است. انتظاری که مردم از ناظران و مسئولان مربوطه دارند، این است که در این زمینه جدی باشند و برای حل مشکلات، اقدامات عملی و مؤثر انجام دهند. البته ناگفته نماند که برخورد با ناهنجاری‌های اجتماعی تنها وظیفه قوه قضائیه نیست. اگرچه قوه قضائیه مسئول برخورد قانونی با تخلفات است، اما بسیاری از مشکلات اجتماعی پیش از رسیدن به مرحله برخورد قضایی، به آموزش، فرهنگ‌سازی و نظارت درست نیاز دارند. عواملی مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی، همگی در شکل‌گیری اخلاق اجتماعی نقش دارند و نمی‌توان از یک نهاد انتظار داشت به‌تنهایی همه مشکلات را حل کند. اگر قرار است تغییری اتفاق بیفتد، هر دستگاهی باید مسئولیت خودش را بپذیرد و وظیفه‌اش را به گردن دیگران نیندازد.

برخورد قانونی بدون حاشیه‌سازی

از دیگر مواردی که در پیگیری ناهنجاری‌های اجتماعی اهمیت دارد، جلوگیری از ایجاد حاشیه و جنجال‌های غیرضروری است. گاهی می‌بینیم به جای اینکه درباره اصل مسئله و راه‌حل آن صحبت شود، فضا رسانه به سمت حاشیه‌ها می‌رود و اصل موضوع تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اما جلوگیری از چنین وضعیتی، نیازمند شفافیت مسئولان در اقدامات خود و روشن بودن دلایل تصمیم‌هایشان است. نمی‌توان از مردم انتظار همراهی داشت، اما در اجرای قانون میان افراد مختلف تفاوت قائل شد. چراکه اگر فلان مسئول انتظار دارد زمانی که منافع ملی در خطر است مردم همگی پای کار باشند، پس وقتی هم که فرزند از وزرا یا آن‌یکی آقازاده، به اسم منافع ملت، جیب این مردم را می‌زنند، نه تنها باید جلوی این کار بایستند ، بلکه اگر این دزدی ها مربوط به خویشان خودشان می‌شود باید اقرار کنند و پاسخگو باشند.

امیر جمالی
کمیته نشریات

فرهنگی

گارانتی می‌دهند، اما خبری از ضمانت نیست

یکی از مشکلات بازار لوازم خانگی، فروش ضمانت‌نامه‌هایی است که برخلاف ظاهر رسمی، پشتوانه واقعی برای ارائه خدمات پس از فروش ندارند. یعنی برخی فروشگاه‌های آنلاین کالاهای خارجی را بدون گارانتی معتبر عرضه می‌کنند و سپس با دریافت مبلغی جداگانه، کارت‌های ضمانت را تحت عناوینی مانند «گارانتی شرکتی» یا «گارانتی طلایی» به‌خریداران می‌فروشند. مصرف‌کننده هم با تصور اینکه در صورت خرابی دستگاه از خدمات تعمیر و تأمین قطعات برخوردار خواهد شد، هزینه بیشتری پرداخت می‌کند؛ اما ممکن است هنگام مراجعه با شرکت‌های غیرپاسخگو، نبود قطعات یدکی یا درخواست پرداخت هزینه‌های اضافی مواجه شود. در چنین شرایطی، ضمانت‌نامه‌ای که قرار بود امنیت خاطر ایجاد کند، عملا ارزش چندانی ندارد.

ریشه این رویه کجاست؟ آیا نظارتی وجود دارد؟ ورود برخی کالاها از مسیرهای غیررسمی یا حتی قاچاق، کمبود خدمات پس از فروش برای محصولات خارجی، ضعف نظارت بر فعالیت فروشندگان و نبود شفافیت درباره صلاحیت شرکت‌های صادرکننده گارانتی، زمینه گسترش این تخلفات را فراهم می‌کند. از طرفی، گاهی مجوز فعالیت در حوزه تعمیرات به‌اشتباه به‌عنوان مجوز صدور ضمانت‌نامه معرفی می‌شود؛ درحالی‌که توانایی تعمیر یک وسیله لزوما به معنای برخورداری از امکانات و تعهدات لازم برای ارائه گارانتی نیست. در این میان، ناآگاهی مصرف‌کنندگان و اعتماد به تبلیغات اینترنتی نیز می‌تواند به گسترش این شیوه کمک کند.

لازم است برای جلوگیری از این وضعیت، نظارت بر فروشگاه‌های اینترنتی و شرکت‌های ارائه‌دهنده ضمانت‌نامه افزایش یابد و اعتبار گارانتی‌ها پیش از عرضه کالا بررسی شود. همچنین، فروشگاه‌ها باید اطلاعات مربوط به شرکت ضمانت‌کننده، مدت اعتبار و شرایط استفاده از خدمات را به‌صورت شفاف در اختیار خریداران قرار دهند. برخورد قانونی با متخلفان و ایجاد امکان مؤثر برای ثبت و پیگیری شکایت‌ها هم ضروری است. از طرفی مصرف‌کنندگان باید پیش از خرید، اعتبار ضمانت‌نامه را از طریق سامانه جامع گارانتی بررسی کنند و فاکتور و شرایط مکتوب ضمانت را دریافت کنند.

در نهایت، مقابله با گارانتی‌های صوری تنها با افزایش آگاهی مردم امکان‌پذیر نیست، بلکه به نظارت مستمر، شفافیت اطلاعات و پاسخ‌گو کردن فروشندگان و شرکت‌های ضمانت‌کننده نیاز دارد.

فاطمه چاحوضی
مسئول واحد خواهران

بررسی استعفای یکباره معلمان

زنگ خطر برای نظام آموزشی کشور

علیرضا حیدری
نائب دبیر

در روزهای اخیر انتشار ویدئوهایی از افرادی که خود را معلم معرفی می‌کنند و از تصمیم خود برای استعفا از آموزش و پرورش می‌گویند، بار دیگر موضوع حقوق، شرایط کاری و رضایت شغلی معلمان را مورد بحث قرار داده است.

حمیدرضا قائم‌پناه کارشناس آموزش و پرورش در این باره اظهار کرد: پیگیری‌ها نشان می‌دهد تعداد افرادی که در این کلیپ‌ها از استعفا صحبت کرده‌اند، حتی به تعداد انگشتان دست نیز نمی‌رسد. وی همچنین افزود: بر اساس بررسی‌هایی که انجام شده، عمده این افراد با مسائلی در کمیته‌های انضباطی مواجه بوده‌اند و استعفای آنها لزوما آن‌گونه که در فضای رسانه‌ای روایت شده، ناشی از حقوق پایین یا نارضایتی معیشتی نبوده است.

پس با این وجود جریان این کلیپ ها و استعفا ها چیست و چه چیزی باعث شده که این معلمان از شغل خود کناره گیری کنند:

یکی از مهم‌ترین عواملی که در بحث استعفا معلمان مطرح می‌شود، فاصله میان درآمد و هزینه‌های زندگی است. افزایش هزینه‌های مسکن، خوراک، حمل‌ونقل و خدمات درمانی، قدرت خرید بسیاری از خانوارها را تحت فشار قرار داده است. در چنین شرایطی، اگر حقوق معلمان متناسب با رشد هزینه‌ها افزایش نیابد، تأمین نیازهای روزمره دشوارتر خواهد شد.

عامل دیگر، فشارهای شغلی و مسئولیت‌های متعدد معلمان است. تدریس، آماده‌سازی محتوای آموزشی، تصحیح تکالیف، ارزیابی دانش‌آموزان و رسیدگی به مسائل تربیتی، بخش‌هایی از وظایف این قشر هستند. در کنار این مسئولیت‌ها، کمبود نیروی انسانی در برخی مدارس و تراکم کلاس‌ها نیز می‌تواند فشار کاری را افزایش دهد.

از سوی دیگر، مشکلات مربوط به نظام پرداخت، تفاوت دریافتی‌ها، وضعیت رفاهی و فرصت‌های ارتقای شغلی ممکن است احساس نارضایتی را تشدید کند. برخی معلمان نیز خواستار توجه بیشتر به جایگاه اجتماعی و حرفه‌ای خود هستند. البته باید توجه داشت که نمی‌توان همه استعفاهای احتمالی را به یک علت نسبت داد؛ برای مشخص‌شدن انگیزه واقعی هر مورد، بررسی اظهارات معلمان و اطلاعات مستند ضروری است.

حال واکنش آموزش‌وپرورش به استعفای معلمان چه بود؟

واکنش رسمی وزارت آموزش‌وپرورش به خبرهای منتشرشده، رد ادعای استعفای گسترده بود. علی فرهادی، سخنگوی این وزارتخانه، در ۱۰ مهر ۱۴۰۵ اعلام کرد که خبر استعفای معلمان صحت ندارد و آن را شایعه دانست. او همچنین تأکید کرد که آموزش حضوری باید ادامه یابد؛ زیرا اختلال در روند آموزش می‌تواند به افت یادگیری دانش‌آموزان منجر شود.



علیرضا کاظمی، وزیر آموزش‌وپرورش، نیز در ۸ مهر ۱۴۰۵ ادعای استعفای گسترده معلمان را مغایر با واقعیت جامعه فرهنگیان دانست و به فعالیت مدارس اشاره کرد.

در مقابل، انتشار ویدئوهایی از افرادی که از تصمیم خود برای ترک شغل معلمی سخن می‌گفتند، باعث شد موضوع در فضای رسانه‌ای مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، باید میان رد ادعای استعفای گسترده از سوی مسئولان و وجود ویدئوهای فردی از اعلام کناره‌گیری تفاوت قائل شد. برای مشخص‌شدن ابعاد واقعی ماجرا، انتشار آمار رسمی و قابل بررسی درباره استعفاها ضروری است.

اما راهکارهای حل مشکلات معلمان چیست؟

نخستین راهکار، بهبود وضعیت معیشتی فرهنگیان است. افزایش حقوق متناسب با تورم، پرداخت به‌موقع مطالبات، اجرای عادلانه طرح‌های رتبه‌بندی و فراهم‌کردن تسهیلات مناسب مسکن می‌تواند بخشی از فشار اقتصادی معلمان را کاهش دهد.

دوم، باید شرایط محیط کار بهبود یابد. کاهش تراکم کلاس‌ها، تأمین تجهیزات آموزشی، استخدام نیروی انسانی موردنیاز و کم‌کردن وظایف اداری غیرضروری، فرصت بیشتری برای آموزش باکیفیت فراهم می‌کند.

سوم، تقویت شأن و امنیت حرفه‌ای معلمان اهمیت زیادی دارد. ایجاد سازوکارهای منظم برای شنیدن انتقادها، رسیدگی عادلانه به شکایت‌ها، رعایت حقوق قانونی فرهنگیان و مشارکت‌دادن آنان در تصمیم‌گیری‌های آموزشی، می‌تواند اعتماد میان معلمان و مسئولان را افزایش دهد.

چهارم، دولت و مجلس باید بودجه آموزش‌وپرورش را با توجه به اهمیت راهبردی آن بازنگری کنند.

استعفای معلمان، چه در ابعادی گسترده و چه در قالب تصمیم‌های فردی، مسئله‌ای است که نمی‌توان از کنار آن به‌سادگی گذشت. معلمی که از نظر اقتصادی و حرفه‌ای احساس امنیت و رضایت نداشته باشد، برای ادامه فعالیت با دشواری بیشتری روبه‌رو خواهد شد. ازاین‌رو، حل مشکلات فرهنگیان نیازمند اقدامات عملی، شفافیت آماری و گفت‌وگوی مستمر میان دولت، مجلس و جامعه معلمان است. حفظ معلمان توانمند، در حقیقت سرمایه‌گذاری برای آینده دانش‌آموزان و پیشرفت کشور است؛ زیرا هیچ نظام آموزشی بدون معلمانی برخوردار از انگیزه، آرامش و امنیت شغلی نمی‌تواند به اهداف بلندمدت خود دست یابد.

بررسی جایگاه و دستاوردها در صنعت فضایی

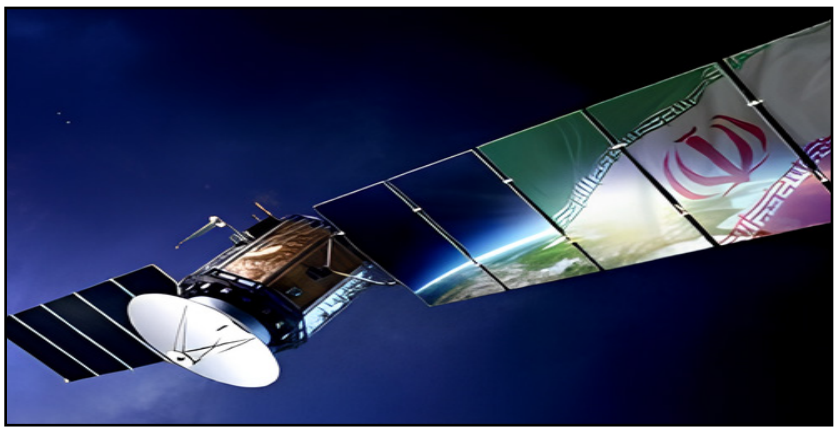
پیشرفت ایران در صنعت فضایی

امیر چهکندی
دبیر کمیته علمی پژوهشی

صنعت فضایی امروز فقط یک نمایش فناورانه نیست؛ زیرساخت اقتصاد، امنیت، مدیریت منابع و حتی آینده انرژی جهان است. در این میدان رقابتی، ایران خود را در جمع معدود کشورهایی می‌داند که کل زنجیره ساخت پرتابگر و ماهواره، پرتاب، کنترل در مدار و تحلیل داده را در اختیار دارند. از این جایگاه با عنوان یکی از ۱۲ کشور توانمند جهان در حوزه فضایی یاد می‌شود. حوزه فضایی با زندگی آینده گره خورده و سرمایه‌گذاری در آن، سرمایه‌گذاری برای فردا است.

جایگاه ایران با تکیه بر توان و دانش بومی

محور اصلی صنعت فضایی، نیروی انسانی قوی است و ایران با تکیه بر متخصصان داخلی، دوران آزمون و خطا را پشت سر گذاشته است. این صنعت در کشور کاملاً بومی و مبتنی بر دانش و نیروی انسانی داخلی است. همین ویژگی باعث شده حتی پس از آسیب‌هایی که دشمن در جنگ اخیر به برخی مراکز فضایی وارد کرد، بازسازی‌ها با سرعت انجام شود. از نگاه سیاست‌گذاران، حضور در این عرصه ضرورتی راهبردی است. با توجه به شرایط حال حاضر دنیا، بهره‌گیری از فضای ماورای جو برای کشورهای دارای این فناوری، یک برنامه جدی و عملیاتی به شمار می‌رود.



دستاوردها؛ صنعت فضایی

مسیر ایران با پرتاب ماهواره «امید» در سال ۱۳۸۷ آغاز شد. تاکنون بیش از ۲۵ ماهواره ایرانی در مدار قرار گرفته‌اند؛ از جمله مهدا، چمران، پارس-۱، هدهد و کوثر. برخی از آنها پایان عمر کاری خود را گذرانده‌اند و برخی همچنان فعال هستند. زیرساخت زمینی هم گسترش یافته است. پایگاه ملی پرتاب چابهار در بهمن ۱۴۰۴ (فوریه ۲۰۲۶) با تکمیل فاز نخست افتتاح شد و ظرفیت پرتاب از خاک کشور را تقویت کرد. اکنون بیش از ۳۰ ماهواره با همکاری بخش‌های مختلف در حال ساخت است. کانون جهش بعدی نیز توسعه هدفمند، موازی و هم‌افزای پرتابگرهای فضایی است. رئیس سازمان فضایی از نسل جدید ماهواره‌برها خبر داده و تمرکز بر پرتابگرهای سنگین‌تر و مدارهای بالاتر را برنامه ۱۴۰۵ و ۱۴۰۶ سازمان دانسته است. (ماهواره مخابراتی ایران تا سال ۱۴۰۵ به مدار ژئو ارسال می‌شود)

جدیدترین؛ پرتاب سه‌گانه دی‌ماه ۱۴۰۴

سه ماهواره «ظفر ۲»، «پایا» و نمونه دوم «کوثر» به‌طور همزمان با پرتابگر روسی سایوز به فضا رفتند. این رویداد در هفتم دی‌ماه ۱۴۰۴ از پایگاه وستوچنی انجام شد و مدار آنها نزدیک به زمین و در ارتفاع حدود ۵۰۰ کیلومتر است. ماهواره پایا (طلوع ۳) را شرکت صنایع الکترونیک ایران ساخته است. وزن آن حدود ۱۵۰ کیلوگرم است و تصاویری با وضوح ۵ متر سیاه‌وسفید و ۱۰ متر رنگی می‌گیرد. کاربردهای آن شامل کشاورزی دقیق، پایش منابع آب، نقشه‌برداری و مدیریت بحران است. بر اساس گزارش‌ها، پس از ده روز کار شبانه‌روزی، ماهواره تثبیت شد و به سمت زمین نشانه‌روی کرد. این ماهواره اکنون اولین ماهواره تصویربرداری عملیاتی کشور است. هرچند پرتاب با ماهواره‌بر خارجی انجام شد، طراحی و ساخت ماهواره‌ها در داخل بود. همین نکته، اهمیت توسعه پرتابگرهای بومی را نشان می‌دهد. این داده‌ها به تصمیم‌گیری دقیق‌تر در کشاورزی و مدیریت بحران کمک می‌کند و وابستگی به تصاویر خارجی را کاهش می‌دهد.

افق ۱۴۰۵

بر اساس آخرین اظهارات وزیر ارتباطات، سه ماهواره از منظومه ۲۴ فروندی شهید سلیمانی آماده است و قرار است تا پایان امسال در مدار قرار گیرد. دستاوردهای آنها در دهه فجر رونمایی خواهد شد. وزیر ارتباطات این هدف را مشروط به فراهم بودن شرایط دانسته است. بنابراین هدف رسمی ایران تا پایان سال ۱۴۰۵، پرتاب سه ماهواره است. این هدف گامی مهم در مسیر ایجاد منظومه ماهواره‌ای و ارائه خدمات ارتباطی و اینترنت اشیا است. ماهواره‌هایی مانند پارس-۲ نیز در صف پرتاب هستند، اما زمان قطعی آنها هنوز اعلام نشده است.

از اولتیماتوم به شهید رئیسی تا سکوت در برابر دلار ۲۷۰ هزار تومانی

معیشت مردم قربانی وفاق

زهرا حجازی
قائم مقام کمیته نشریات

چرا یک زمانی آقای قالیباف به شهید رئیسی بابت افزایش چندهزار تومانی قیمت دلار، اولتیماتوم می‌داد؟

اما اکنون که دولتِ بعد از شهید رئیسی، قیمت ارز را به رکورد ۲۰۰ هزار تومان نزدیک کرده است، نماینده‌ها به جناب قالیباف اولتیماتوم می‌دهند که تا یکشنبه مجلس را از تعطیلی درآورد؟

رئیس مجلس که روزگاری برای افزایش ۲ هزار تومانی قیمت دلار در شرایط جنگی کشور، پس از عملیات وعده صادق ۱ در دولت سیزدهم، به شهید رئیسی اولتیماتوم می‌داد و برای دولت ضرب‌الاجل تعیین می‌کرد که «اگر چاره‌اندیشی نشود، برخورد مجلس متفاوت خواهد شد» و مدعی بود مجلس برای بازار ارز برنامه دارد، امروز با عبور دلار از ۲۷۰ هزار تومان، یعنی گرانی ۱۰۶ برابری نسبت به آن ۲ هزار تومان در دولت سیزدهم و نسبت به قیمت دلار در پایان دولت شهید رئیسی، ترجیح داده است به‌جای دفاع از معیشت مردم، به زندانی کردن منتقدان خود بپردازد.

این پرونده برای آقای محمدباقر قالیباف باز خواهد ماند که چرا با وجود عبور قیمت دلار برای نخستین بار از مرز ۲۷۰ هزار تومان، در برابر این گرانی بی‌سابقه در دولت پزشکیان، نه نامه‌ای نوشته و نه ضرب‌الاجلی داده است.


اولتیماتوم قالیباف به رئیسی

رئیس مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: اگر دولت تا یکشنبه برنامه خود برای مقابله با مشکلات ارزی را ارائه نکند، ما این موضوع را در صحن مجلس دنبال خواهیم کرد.

این استاندارد دوگانه و تفاوت رفتار در حالی است که وقتی برخورد با یک دولت در گرانی ۲ هزار تومانی دلار تا مرز ضرب‌الاجل پیش می‌رود، اما در برابر ۲۷۰ هزار تومان سکوت اختیار می‌شود، نظارت پارلمانی به ابزاری سیاسی تبدیل می‌شود، نه سازوکاری برای صیانت از سفره مردم.

مشخص نیست که برخی مسئولان کدام طرف زمین بازی می‌کنند.

علاوه بر این رخدادهای بی‌سابقه علیه سفره مردم، مجلس از اسفند ۱۴۰۴ جلسه علنی برگزار نکرده و به تعطیلی کشیده شده است.

مجلسی که قرار بود بلندترین منبر جمهوری اسلامی برای دفاع از مردم باشد، در روزهای گرانی دلار ۲۷۰ هزار تومانی، نه جلسه علنی دارد و نه صدای اعتراضی.

دولت پزشکیان دلار را از ۵۸ هزار تومان به ۲۷۰ هزار تومان رسانده و قالیباف نه‌تنها هیچ اقدامی نکرده، بلکه با تعطیلی صحن علنی، هرگونه امکان استیضاح وزیر اقتصاد یا طرح سؤال از رئیس بانک مرکزی را نیز از نمایندگان گرفته است.

سؤال و دغدغه مردم این است که چرا به این دولت از آن اولتیماتوم‌ها نمی‌دهند؟

آیا هنوز افزایش دلار به حد دولت قبل نرسیده است یا هدف موضوع دیگری است؟

اگر نظارت پارلمانی بناست فقط برای یک دولت و یک نرخ مشخص فعال باشد، دیگر نامش نظارت نیست؛ ابزار تسویه‌حساب سیاسی است. و این در حالی است که اصلاً و ابداً عملکرد فاجعه‌بار پزشکیان با دولت قبل قابل‌قیاس نیست.

مواضع تند قالیباف مربوط به دولت شهید رئیسی و زمانی است که دلار ۶۰ هزار تومان شده بود. قالیباف نسبت به دلار ۲۷۰ هزار تومانی در دولت پزشکیان سکوت کرده است.

مردم انتظار دارند قالیباف در برابر جهش ارزی که سفره‌شان را کوچک‌تر می‌کند، چندین برابر همان قاطعیتی را نشان دهد که روزی در برابر افزایش ۲ هزار تومانی نشان داد!

در چنین شرایطی، پرسش اصلی این است که چرا معیار نظارت در مجلس تغییر کرده است. اگر افزایش دو هزار تومانی دلار در دولت پیشین بحران تلقی می‌شد، امروز افزایش بیش از دویست هزار تومانی باید بحرانی چند برابر باشد. اما به نظر می‌رسد بعضی مسئولان به جای پاسخ دادن به مردم، ترجیح می‌دهند سکوت کنند، جلسه علنی را تعطیل نگه دارند و منتقدان را به حاشیه برانند. این رفتار نه با شعار وفاق سازگار است و نه با وظیفه نمایندگی. مردمی که هر روز با گرانی دارو، مسکن، خوراک و حمل‌ونقل دست‌وپنجه نرم می‌کنند، انتظار دارند مجلس صدای آن‌ها باشد، نه اتاق انتظار برای تصمیم‌های پشت‌پرده. وقتی قیمت ارز با سرعت بالا می‌رود، سفره خانوار کوچک‌تر می‌شود و آینده شغلی جوانان مبهم‌تر می‌شود، سکوت مسئولان معنا ندارد. نظارت پارلمانی اگر انتخاب‌گونه باشد، به بی‌اعتمادی دامن می‌زند. مردم از قالیباف می‌پرسند همان قاطعیتی که در برابر دو هزار تومان نشان داد، کجاست؟ این سکوت قابل‌توجیه نیست.

تورمی که صفر میشود یا سر به فلک میکشد؟

زاکانی و طرح تورم صفر

فاطمه فاطمی
دبیر کمیته فرهنگی

در شرایط موجود زاکانی شهردار تهران طرحی به نام تورم صفر را به اجرا درآورد.

در مرحله نخست این طرح، ۱۲ قلم کالای اساسی با قیمت ثابت و پایین‌تر از نرخ بازار عرضه می‌شود. این طرح با هدف حمایت از معیشت خانوارهای تهرانی و تأمین بخشی از نیازهای غذایی شهروندان اجرا می‌شود.

فهرست این اقلام به این شرح است:

برنج، گوشت، ماکارونی، روغن، شکر، خرما، سویا، عدس، لوبیا چیتی، لوبیا قرمز، نخود، لپه.

در آبان ماه مرغ، رب و پنیر نیز ان شاءالله به این فهرست اضافه خواهد شد و تعداد اقلام این طرح به ۱۵ قلم می‌رسد.

این کالاها از طریق میادین میوه و تره‌بار و فروشگاه‌های شهروند عرضه می‌شوند و خرید غیرحضوری با تحویل مقابل منزل نیز از طریق سامانه شهرزاد پیش‌بینی شده است. همچنین تلاش شده است دسترسی شهروندان در مناطق مختلف شهر به این اقلام با سهولت بیشتری فراهم شود.

هزینه طرح تورم صفر از کجا تأمین میشود؟

مدل اجرای طرح، بر پرداخت یارانه نقدی گسترده از بودجه شهرداری یا هزینه‌کرد از منابع مالی استوار نیست. خرید مستقیم از تولیدکننده یا تأمین‌کننده، خرید قراردادی، تعامل با تولیدکنندگان، استفاده از سرمایه در گردش مجموعه‌های اقتصادی شهرداری و خرید و ذخیره‌سازی کالا برای دوره اجرای طرح، ازجمله روش‌هایی است که برای تأمین کالا درنظر گرفته شده است.در این مدل تلاش می‌شود با کوتاه‌کردن زنجیره تأمین و حذف بخشی از واسطه‌ها، قیمت تمام‌شده و هزینه توزیع کاهش یابد. این رویکرد می‌کوشد بدون تحمیل بار مالی تازه، ثبات قیمت‌ها را در دوره اجرای طرح حفظ کند.



آیا این طرح در راستای کاهش فشار بر مردم است؟

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از شهر امید شریفی، مدیر مطالعات اقتصاد و مدیریت شهری در مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران اظهار داشت: تثبیت قیمت ۱۲ قلم اساسی تنش قیمتی سایر بخش‌ها را خنثی می‌سازد؛ این سیاست اگرچه پول نقد جدیدی به حساب خانوار واریز نمی‌کند، اما با مهار خروج ۵ تا ۸ درصد از توان مالی ماهانه و جلوگیری از بلعیده‌شدن بودجه توسط اقلام اساسی، یک فضای تنفس مالی فوری برای پرداخت اجاره‌بها، هزینه‌های سلامت و حفظ سطح درمان ایجاد می‌کند و مانع از سقوط شتابان رفاهی این خانوارها می‌شود.

شاخص های تورمی در این طرح

شریفی با اشاره به اینکه تثبیت قیمت ۱۲ قلم کالای اساسی در شبکه عرضه گسترده‌ای نظیر میادین تره‌بار و فروشگاه‌های شهروند، اثر مستقیمی بر شاخص قیمت مصرف‌کننده در کلان‌شهر تهران دارد، گفت: اگرچه این طرح به صورت مستقیم وزن محدودی در شاخص تورم کل کشور دارد، اما در سطح شهر تهران به‌عنوان مهارکننده‌ای برای شتاب تورم ماهانه عمل کرده و می‌تواند تا ۳.۵ واحد درصد از تورم تجمعی شش‌ماهه سبد غذایی تهرانی‌ها بکاهد. این اقدام با کاهش بار روانی و اقتصادی گرانی مواد غذایی، از گسترش فشار بر سایر اقلام هزینه‌ای خانوار (از جمله اجاره‌بها، آموزش و سلامت) جلوگیری می‌کند.

آیا این طرح آثار تورمی دارد؟

برخی کارشناسان بر این باورند که طرح تورم صفر شهرداری تهران در نهایت موجب چاپ پول شده و این موضوع خود آثار تورمی زیادی دارد. اما نکته قابل توجه این است که چاپ پول زمانی موجب افزایش تورم می‌شود که یا تقاضای جدیدی را بوجود آورد یا پشتوانه‌ای نداشته باشد. در صورتی که طرح شهرداری تهران به دنبال احیای تقاضای سرکوب شده قدرت خرید مردم و همچنین افزایش ظرفیت‌های تولیدی کارخانجات است و از این نگاه موجب افزایش تورم نخواهد شد.

در مجموع، طرح تورم صفر اگرچه تمام مشکلات اقتصادی را حل نمی‌کند، اما گامی عملی و به‌موقع برای کم کردن بار سنگین هزینه‌های خوراکی از دوش خانواده‌هاست؛ طرحی که اگر با نظارت دقیق و استمرار همراه باشد، می‌تواند پناهگاهی امن برای معیشت شهروندان در روزهای سخت گرانی باشد. در این میان، شفافیت در گزارش‌دهی و پاسخگویی مسئولان اعتماد عمومی را تقویت خواهد کرد.

اقتصادی

راهکار فناورانه اقتصاد گاز برای عبور از ناترازی زمستانی چیست؟

یک کارشناس انرژی با تأکید بر ضرورت تلفیق سیاست‌های عرضه و تقاضا برای حل ریشه‌ای ناترازی گاز، تبدیل صرفه‌جویی به یک کالای اقتصادی و سرمایه‌پذیر را گامی کلیدی دانست و تصریح کرد: ایجاد اعتماد اقتصادی برای سرمایه‌گذاران و تجهیز زیرساخت‌های بهینه‌سازی پیش از هرگونه اصلاح تعرفه‌ای، پیش‌نیاز اصلی موفقیت این مدل فناورانه در مدیریت مصرف است.

عرفان نوری، در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری آگاه، درباره راهکارهای ریشه‌ای مقابله با ناترازی گاز و ضرورت تغییر در ساختار مدیریت مصرف اظهار داشت: حل ریشه‌ای ناترازی نیازمند یک بسته هم‌زمان از سیاست‌های عرضه و تقاضاست. در سمت عرضه، سرمایه‌گذاری در نگهداشت تولید، فشارافزایی میادین، توسعه ذخیره‌سازی زیرزمینی، جمع‌آوری گازهای همراه و افزایش انعطاف‌پذیری شبکه الزامی است. در کنار اینها، باید وابستگی صنعت برق به گاز کاهش یابد و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و ارتقای راندمان نیروگاه‌ها به‌طور جدی دنبال شود. با این حال، اولویت اصلی من، بهینه‌سازی مصرف است؛ زیرا در بسیاری از موارد، آزاد کردن یک مترمکعب گاز از طریق کاهش اتلاف، بسیار سریع‌تر و ارزان‌تر از تولید یک مترمکعب گاز جدید است.

وی در ادامه گفت: اصلاح تدریجی قیمت نیز بخشی از این بسته است، اما این فرآیند نباید به‌صورت یک شوک قیمتی اجرا شود. ابتدا باید بستری فراهم شود تا مشترکان بتوانند مصرف خود را کاهش دهند؛ یعنی پیش از گران شدن قیمت، امکان اصلاح تجهیزات و روش‌های مصرف برای آنها فراهم باشد. نمی‌توان از خانوار یا صنعتی که تجهیزات و ساختمان‌های غیربهینه دارد، انتظار داشت صرفاً با تغییر قیمت، مصرف خود را به‌طور چشمگیری کاهش دهد. با توجه به گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، بخش قابل‌توجهی از این پرمصرف‌ها در دهک‌های رفاهی ۱ تا ۵ قرار دارند. بنابراین، سیاست صحیح، ترکیبی از تغییر تجهیزات، سرمایه‌گذاری در بهینه‌سازی، اصلاح تدریجی تعرفه، اجرای واقعی مقررات ساختمان و توسعه ظرفیت تولید است؛ نه انتخاب یکی به جای دیگری.

خبرگزاری

اقتصادی

خصوصی‌سازی در آزمون عملکرد

خصوصی‌سازی با هدف افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت، توسعه رقابت و کاهش تصدی‌گری دولت انجام می‌شود، اما عملکرد صنعت خودرو پس از این واگذاری، با اهداف مورد انتظار از خصوصی‌سازی فاصله دارد.

آمارها نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۲ مجموع تولید خودروهای سواری کشور حدود ۹۲۰ هزار دستگاه بود. این رقم در سال ۱۴۰۳ به حدود ۸۹۸ هزار دستگاه کاهش یافت؛ سالی که ایران خودرو، یکی از خودروسازان بزرگ کشور نیز به بخش خصوصی واگذار شد. در سال ۱۴۰۴ نیز مجموع تولید خودروهای سواری کشور در حدود ۹۲۵ هزار دستگاه باقی ماند؛ رقمی که نشان می‌دهد با وجود خصوصی‌سازی، جهش قابل توجهی در تولید رخ نداده است.

کارشناسان معتقدند خصوصی‌سازی زمانی به افزایش بهره‌وری منجر می‌شود که همزمان با آن، رقابت نیز تقویت شود. اگر یک بازیگر همزمان در دو حلقه مهم زنجیره ارزش یعنی تولید قطعه و تولید خودرو حضور داشته باشد و بازار قطعات نیز در اختیار انحصار باشد، عملاً امکان رقابت عادلانه برای سایر خودروسازان از بین می‌رود.

از ۱۸ بهمن ۱۴۰۳ که شرکت قطعه‌سازی کروز، با وجود شائبه‌های متعدد، سکان هدایت شرکت ایران خودرو را در اختیار گرفت، شرکت‌هایی مانند سایپا که از خریداران قطعات انحصاری این قطعه‌ساز بودند، با مشکلات جدی در تأمین قطعات مواجه شدند. تغییر اولویت‌ها در تأمین قطعات و در اولویت قرار گرفتن خودروساز تحت مالکیت این قطعه‌ساز، موجب شد سایر خودروسازان با کاهش تولید روبه‌رو شوند.

از سوی دیگر، افزایش خودروهای ناقص در کف پارکینگ شرکت‌های خودروساز و در نتیجه تشدید نارضایتی مردم، این نگرانی را ایجاد کرد که موفقیت خصوصی‌سازی از طریق تضعیف رقبا به تصمیم‌گیران کشور القا شود.

با وجود این شرایط، انتظار می‌رفت خودروسازی که به بخش خصوصی واگذار شده، در حوزه های مختلف تولید، عرضه و ارایه خودرو بهتر عمل کند؛ اما در عمل، بیش از ۶۰ هزار خودرو در کف پارکینگ شرکت‌های خودروساز و مونتاژکننده به دلیل عدم تأمین قطعات زمین‌گیر شدند.

همچنین نه تنها کیفیت محصولات این خودروساز نسبت به گذشته بهبود نیافت، بلکه به اعتقاد بسیاری از کارشناسان با افت نیز همراه شد. از سوی دیگر، قیمت محصولات این مجموعه نیز افزایش چشمگیری داشت و حتی در مواردی بیش از درصدهای مجاز اعلام‌شده از سوی شورای رقابت و وزارت صنعت، معدن و تجارت افزایش یافت.

امیرمهدی اکبری
دبیرانجمن

بررسی شکاف های داخلی اسرائیل پیش از انتخابات

نتانیاهو و ترس از انتخابات

خبرگزاری



انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی؛ آزمونی برای سنجش مشروعیت و ثبات سیاسی

انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی در سایه مجموعه‌ای از بحران‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی برگزار می‌شود؛ از پیامدهای عملیات طوفان‌الاقصی و تداوم جنگ‌های منطقه‌ای تا اختلافات سیاسی، مناقشه بر سر خدمت نظامی حریدی‌ها، فشارهای معیشتی و نگرانی درباره خروج سرمایه و مهاجرت متخصصان. در این شرایط، رقابت انتخاباتی علاوه بر تعیین ترکیب کنست، آزمونی برای سنجش اعتماد عمومی به دولت و توان ساختار سیاسی اسرائیل در مدیریت بحران‌های انباشته است.

به گزارش خبرگزاری آگاه، انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی در شرایطی برگزار می‌شود که پیامدهای عملیات طوفان‌الاقصی، تداوم جنگ در جبهه‌های مختلف، فشارهای اقتصادی، اعتراضات اجتماعی و اختلافات درون ائتلاف حاکم، موضوع امنیت و آینده سیاسی این رژیم را به یکی از محورهای اصلی مناقشه داخلی تبدیل کرده است. این انتخابات علاوه بر رقابت احزاب برای تصاحب کرسی‌های کنست، عرصه‌ای برای ارزیابی عملکرد دولت در حوزه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌رود؛ حوزه‌هایی که مشکلات انباشته در آنها می‌تواند روند تشکیل کابینه آینده را نیز دشوارتر کند.

انتخابات؛ آزمونی فراتر از جا به جایی قدرت

انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی در ۲۷ اکتبر، نخستین انتخابات پس از عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ معرفی شده است. این رویداد نقطه عطفی در مناقشات داخلی اسرائیل محسوب می‌شود؛ زیرا حمله نیروهای حماس، آسیب پذیری ساختارهای اطلاعاتی و امنیتی این رژیم را آشکار کرد و پرسش‌هایی جدی درباره عملکرد دولت، ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی برانگیخت.

در چنین فضایی، رقابت انتخاباتی صرفاً به اختلاف بر سر برنامه‌های اقتصادی یا ترکیب کابینه محدود نمی‌شود. مسئله اصلی برای بخش مهمی از جامعه اسرائیل، پاسخ گویی درباره ناکامی‌های امنیتی، سرنوشت اسرا، تداوم جنگ‌ها و میزان تحقق اهداف اعلام شده نظامی است. تجمع اعتراضی خانواده‌های اسرا و کشته شدگان عملیات طوفان الاقصی در تل آویو، هم زمان با آغاز رأی گیری، بازتابی از تداوم این مطالبات بود.

برای خانواده‌های اسرا، مسئله اصلی نحوه مدیریت بحران و بازگرداندن عزیزانشان است؛ برای بخشی از مخالفان دولت نیز عملکرد کابینه بنیامین نتانیاهو در مواجهه با حمله ۷ اکتبر به موضوعی سیاسی و انتخاباتی تبدیل شده است. در مقابل، جریان‌های حامی دولت می‌توانند بر ضرورت ادامه فشار نظامی و حفظ رویکرد امنیتی خود تأکید کنند. بنابراین، انتخابات در فضایی برگزار می‌شود که تعریف «امنیت» و چگونگی دستیابی به آن، به یکی از خطوط اصلی اختلاف سیاسی تبدیل شده است.

نکته مهم آن است که پیامدهای این بحران را نمی‌توان فقط با تعداد کرسی‌های احزاب سنجید. حتی اگر یک جریان انتخاباتی بتواند جایگاه خود را در کنست تقویت کند، همچنان باید به مطالبات خانواده‌های اسرا، نگرانی‌های امنیتی، فشار اقتصادی و اختلافات اجتماعی پاسخ دهد.

بحران مشروعیت سیاسی؛ مسئولیت ناکامی‌های امنیتی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی نتانیاهو، مسئله پاسخ گویی درباره شکست امنیتی ۷ اکتبر است. این حمله پرسش‌هایی درباره آمادگی ارتش، عملکرد دستگاه‌های اطلاعاتی، ارزیابی تهدیدها و توانایی دولت در حفاظت از شهروندان مطرح کرد. با گذشت زمان، این پرسش‌ها با موضوعاتی همچون سرنوشت اسرا، طولانی شدن جنگ و اختلاف بر سر اولویت‌های نظامی و سیاسی درهم آمیخته‌اند.

گزارش پارلمان اروپا درباره انتخابات ۲۰۲۶ نیز پاسخ گویی درباره ناکامی‌های امنیتی ۷ اکتبر، آینده دکترین امنیتی اسرائیل و مسئله سربازگیری از حریدی‌ها را از موضوعات اصلی این رقابت معرفی می‌کند.

در این چارچوب، نتانیاهو با دو مسئله مرتبط رو به رو است: نخست، دفاع از کارنامه امنیتی رژیم؛ دوم، متقاعد کردن رأی دهندگان درباره توانایی کابینه آینده برای جلوگیری از تکرار حوادث مشابه. برای مخالفان نیز انتخابات فرصتی جهت طرح مسئولیت سیاسی دولت و مطالبه تغییر در شیوه مدیریت بحران است.

با این حال، نباید تمام اختلافات انتخاباتی را به مخالفت با نتانیاهو تقلیل داد. بخشی از جامعه اسرائیل همچنان از رویکرد امنیتی دولت حمایت می‌کند و برخی عملیات‌های نظامی را برای بازدارندگی ضروری می‌داند. بنابراین، رقابت اصلی علاوه بر اختلاف بر سر عملکرد دولت، به تفاوت دیدگاه‌ها درباره چگونگی تأمین امنیت و هزینه‌های قابل قبول آن مربوط می‌شود.

سه‌گانه‌ی انتخابات؛ تحلیل چشم‌انداز سیاسی

از انتخابات اسرائیل و آمریکا تا معادلات فلسطین

مطهره رشیدی نژاد
دبیر کمیته پذیرش و تشکیلات



تحلیل انتخابات اسرائیل و تأثیر آن بر معادلات منطقه در اسرائیل، انتخابات در شرایط بسیار سختی برگزار خواهد شد. از یک طرف، بنیامین نتانیاهو با چالش‌های بسیار بزرگی روبرو است که می‌تواند جایگاه او را پایین بیاورد. این چالش‌ها شامل اعتراضات گسترده مردم کشورش در داخل کشور است که به شدت از عملکرد او در مدیریت بحران‌ها ناراضی هستند. از طرف دیگر، فشارهای سیاسی و افشاگری‌هایی که اعتبار او را زیر سوال برده است، کار را برای او سخت‌تر کرده است. علاوه بر این، شکست‌ها و جنگ‌هایی که با گروه‌های مقاومت مثل جنگ با حماس و حزب‌الله پیش آمد، باعث شد که او سعی کند با استفاده از شعارهای تبلیغاتی، خودش را به اسم و عنوان یک رهبر قوی و تنها راه نجات همه نشان دهد تا شاید بتواند دوباره اعتماد مردم را جلب کند. اگر نتانیاهو از قدرت کناربرود و یک شخص جدیدی بیاید و جای او را بگیرد، این به معنای تغییر سیاست‌های اصلی اسرائیل در برابر ایران یا منطقه نیست. دلیل اصلی این است که سیاست‌های کلان در این کشور، برخلاف سیاست‌های روزمره، به تصمیمات یک نفر از افراد بستگی ندارد. بخش زیادی از تصمیمات مهم اسرائیل، نه در دست نخست‌وزیر، بلکه در دست نهاد ها، ارتش و گروه‌های امنیتی عمیق‌ترو بزرگتر است. با وجود تغییر چهره او بازهم سیاست‌های اصلی اسرائیل در منطقه احتمالاً ثابت می‌ماند.

انتخابات آمریکا و معادلات قدرت ترامپ

در سمت دیگر، انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا قرار دارد که تأثیر مستقیم بر قدرت ترامپ می‌گذارد. این انتخابات ریاست‌جمهوری را عوض نمی‌کند، بلکه مشخص می‌کند که در کنگره یا همان(مجلس) چه کسانی قدرت را در دست دارند. اگر حزب مخالف بتواند اکثریت را در کنگره به دست بیاورد، در واقع مانع تصمیمات ترامپ می‌شود. یعنی ترامپ برای اجرای برنامه‌های اقتصادی یا نظامی خود، با مشکل مواجه شود.ممکن است کنگره،بودجه‌های مورد نیاز او را تصویب نکند یا در برابر سیاست‌های خارجی او مانع‌تراشی کند. با اینکه این انتخابات می‌تواند قدرت اجرای برنامه های ترامپ را محدود کند و او را مجبورمی کند که با مخالفان وارد مذاکره شود، اما همچنان اختیارات ریاست‌جمهوری در سیاست‌های کلی بسیار زیاد است .

انتخابات پارلمانی فلسطین و جایگاه گروه‌های مقاومت

در رابطه با فلسطین، برگزاری این انتخابات می‌تواند بازگشت دوباره‌ی سیاست به میدان باشد. پس از مدت‌ها رکود، این انتخابات می‌تواند به گروه‌های مقاومت و نهادهای سیاسی کمک کند تا دوباره از نظر جامعه و سازمان‌های بین‌المللی، مشروعیت و اعتبار پیدا کنند. وقتی مردم دوباره به پای صندوق رأی می‌روند، این کار نشان می‌دهد که گروه‌های فلسطینی هنوز توانایی اداره امور و داشتن ساختار سیاسی را دارند. این انتخابات فقط جنبه‌ی مثبت ندارد و می‌تواند چالش‌های بزرگی را هم ایجاد کند. از یک طرف ممکن است باعث شود گروه‌های مقاومت با هم متحد و همراه شوند، اما از طرف دیگر، این انتخابات می‌تواند باعث بروز شکاف‌های جدید بین گروه‌های مختلف شود. در واقع، رقابت برای رسیدن به قدرت ممکن است باعث شود که گروه‌هایی که قبلاً با هم متحد بودند، حالا با هم وارد اختلاف و چالش‌های سیاسی شوند. بنابراین این انتخابات هم می‌تواند راهی برای رسیدن به اعتبار باشد و هم عاملی برای ایجاد تنش‌های داخلی در بین گروه‌های مقاومت باشد.

رابطه تغییر ترکیب سیاسی با تغییر سیاست‌ها

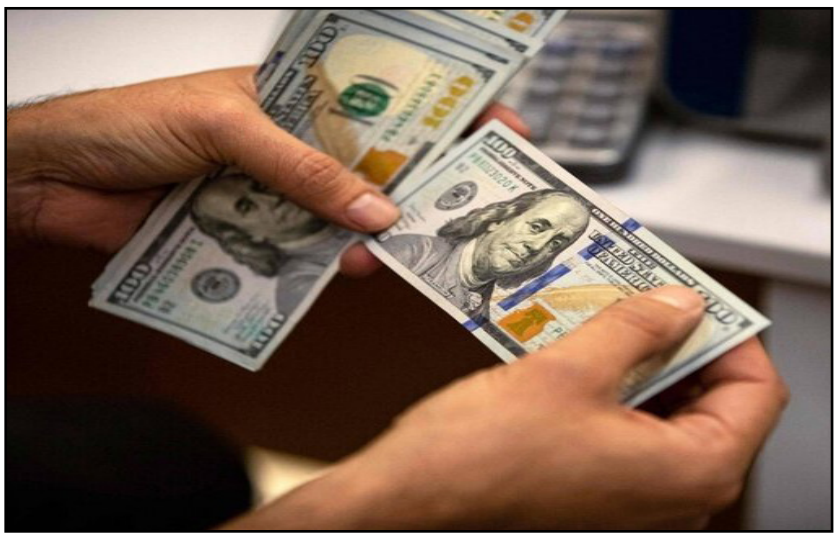
منظور از تغییرافراد، تغییر سیاست‌ها نیست.بین تغییر چهره‌های سیاسی و تغییر سیاست‌های اصلی تفاوت بزرگی وجود دارد. سیاست‌های مهم یک کشور، در دل ساختارها و نهادهای عمیق واستواری ریشه دارند که با عوض شدن یک یا چند سیاست‌مدار، به راحتی تغییر نمی‌کنند. اگرچه انتخابات می‌تواند باعث شود آدم‌های جدیدی به قدرت برسند، اما اهداف و مسیرهای اصلی و استراتژیک آن دولت‌ها، همان‌هایی باقی می‌ماند که از قبل تعیین شده اند.

بررسی عرضه ۱۰ هزار دلار به هر کد ملی

ثبات بازار یا مُسکنی موقت؟

علیرضا حیدری
نائب دبیر

سیاست جدید ارزی دولت مبنی بر عرضه ارز تا سقف ۱۰ هزار دلار به هر فرد بالای ۱۸ سال، یکی از تصمیم‌های مهم بانک مرکزی برای مدیریت نوسانات بازار ارز است. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده که اقتصاد کشور با تحریم‌ها، نااطمینانی‌های سیاسی و امنیتی، نوسانات بازار و فشار بر قدرت خرید مردم مواجه است. پرسش اصلی این است که **آیا افزایش عرضه ارز می‌تواند به ثبات پایدار بازار منجر شود یا صرفاً از شدت نوسانات در کوتاه‌مدت می‌کاهد؟**



دولت چه طرحی دارد و هدفش چیست؟

در این طرح، افراد بالای ۱۸ سال می‌توانند با ارائه کارت ملی تا سقف ۱۰ هزار دلار ارز خریداری کنند. هدف اعلام‌شده بانک مرکزی، افزایش عرضه رسمی ارز، پاسخگویی به بخشی از تقاضای موجود و مدیریت نوسانات بازار است. عرضه از مسیر شبکه بانکی می‌تواند متقاضیانی را که به بازار آزاد مراجعه می‌کنند، به مسیر رسمی هدایت کند.

با این حال، سقف ۱۰ هزار دلار به معنای دریافت رایگان ارز نیست؛ بلکه امکان خرید تا این سقف را فراهم می‌کند و متقاضی باید بهای ارز را بپردازد. موفقیت طرح تنها به اعلام سهمیه وابسته نیست؛ نرخ فروش، میزان استقبال مردم، نحوه توزیع و استمرار عرضه نیز نقش دارند.

آیا این طرح در شرایط جنگی مناسب است؟

در شرایط جنگی، بازار ارز بیش از گذشته به تحولات سیاسی، امنیتی، وضعیت تجارت خارجی و دسترسی کشور به منابع ارزی حساس می‌شود. افزایش نااطمینانی می‌تواند خانوارها را برای حفظ ارزش دارایی‌هایشان به خرید ارز سوق دهد؛ بنابراین فشار بازار صرفاً ناشی از کمبود اسکناس نیست، بلکه انتظارات مردم نیز در آن نقش دارد.

در این شرایط باید میان آثار کوتاه‌مدت و پیامدهای بلندمدت تفاوت قائل شد. اگر منابع ارزی کشور محدود باشد و تقاضا همچنان افزایش یابد، فروش گسترده ارز می‌تواند فشار بیشتری بر منابع در دسترس وارد کند. از سوی دیگر، اگر مردم کاهش نرخ ارز را موقتی بدانند، ممکن است پس از پایان عرضه، تقاضا دوباره افزایش یابد. بنابراین اثر نهایی طرح به میزان منابع قابل‌استفاده، تداوم درآمدهای ارزی، وضعیت تجارت خارجی و سیاست‌های پولی و مالی وابسته است. عرضه ارز می‌تواند بخشی از فشار بازار را کاهش دهد، اما جایگزین اصلاحات اقتصادی و مدیریت انتظارات نخواهد شد.

منابع این طرح از کجا تأمین می‌شود؟

بانک مرکزی از برنامه عرضه حداکثر دو میلیارد دلار اسکناس خبر داده است؛ اما در گزارش‌های بررسی‌شده، تفکیک مستندی از سهم هر منبع در تأمین این مبلغ ارائه نشده است.

آیا این طرح در کنترل بازار موفق خواهد بود؟

پاسخ به این پرسش به چند عامل بستگی دارد. نخست، حجم عرضه واقعی در مقایسه با تقاضای بازار است. اگر ارز عرضه‌شده قابل‌توجه و استمرار آن قابل‌اعتماد باشد، می‌تواند بخشی از فشار تقاضا را کاهش دهد؛ اما اگر عرضه محدود و مقطعی باشد، اثر آن نیز کوتاه‌مدت خواهد بود.

دوم، نرخ فروش ارز سهمیه‌ای اهمیت دارد. اگر این نرخ با نرخ بازار آزاد فاصله داشته باشد، تقاضا برای خرید سهمیه افزایش می‌یابد؛ اما این لزوماً به معنای کاهش پایدار نرخ بازار آزاد نیست. باید بررسی کرد که ارز خریداری‌شده تا چه اندازه نیاز واقعی را پوشش می‌دهد و چه میزان از آن دوباره وارد بازار می‌شود.

سوم، اعتماد مردم به ثبات اقتصادی است. وقتی نگرانی درباره آینده اقتصاد، تورم یا تحولات سیاسی افزایش یابد، حتی عرضه گسترده ارز نیز نمی‌تواند تقاضای احتیاطی را به‌طور پایدار کاهش دهد.

چهارم، سیاست ارزی باید با کنترل رشد نقدینگی، انضباط مالی دولت، تسهیل بازگشت ارز صادراتی، تقویت تولید و افزایش شفافیت بازار همراه شود؛ در غیر این صورت، کاهش قیمت در روزهای ابتدایی به ثبات بلندمدت منجر نخواهد شد.

گزارش تسنیم در دهم مهرماه ۱۴۰۵ نیز از بازگشت نرخ دلار پس از کاهش اولیه در پی مداخله ارزی خبر داده بود؛ موضوعی که نشان می‌دهد اثر یک سیاست را نباید تنها با تغییرات چندروزه نرخ ارز سنجید.

در اعتراضات اخیر فرانسه چه رخ داده است؟

آزادی بیان به سبک غرب!

عرفان صادقی
دبیر کمیته سیاسی



اعتراضات چرا و چگونه به وجود آمد؟

در هفته گذشته شاهد موج جدیدی از اعتراضات در فرانسه بودیم. اعتراضاتی که به گفته دانش آموزان و دانشجویان حاضر در این تجمعات، به دلیل مشکلات آموزشی، کمبود معلم، فشردگی کلاس ها و فرسودگی ساختمان ها شکل گرفته است.

جرقه این اعتراضات ابتدا در دبیرستان سن‌اگزوپری در شهر کرتی، در حومه پاریس، زده شد. روزنامه لوموند در گزارش ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۶ خود نوشت که اعتراضات ابتدا در شماری از مدارس منطقه پاریس شکل گرفت و سپس با انتشار فراخوان‌ها و تصاویر در شبکه‌های اجتماعی گسترش یافت. به نوشته این روزنامه، تا آن روز اعتراضات ۱۸۰ مدرسه در سراسر فرانسه را تحت تأثیر قرار داده بود. طبق گزارش لوموند در دوم اکتبر، اعتراضات روز اول اکتبر به بیش از هزار دبیرستان رسید. وزارت آموزش فرانسه از تأثیر اعتراضات بر ۱۰۲۰ دبیرستان و مسدود شدن ورودی ۲۲۲ مدرسه خبر داد. دانشجویان نیز در حدود ۳۰ دانشگاه بسیج شده بودند و شماری از پردیس‌ها با انسداد روبه‌رو شدند.

روایت دوگانه رسانه‌های خارجی از اغتشاشات ایران و اعتراضات فرانسه

همزمان با اعتراضات در فرانسه، شاهد واکنشی تکراری و دوگانه از رسانه های معاند و غربی بودیم. رسانه هایی که در زمان اغتشاشات ۱۴۰۱ و دی ماه ۱۴۰۴، سر بریدن و به آتش کشیدن مامور پلیس را آزادی بیان و اعتراض دانش آموزان فرانسوی به خدمات آموزشی را تهدید بر علیه امنیت ملی فرانسه می دانند.

با مرور این وقایع، سوالی که در ذهن شکل می گیرد این است که چرا مجموعه رسانه ای غرب، از شبکه ها و کانال های تلویزیونی گرفته تا پیج ها و صفحات مجازی، برای دانش آموزان دستگیر شده توسط پلیس فرانسه هشتگ نمی زنند و دلسوزی نمی کنند؟ چرا تصاویر حمله وحشیانه پلیس فرانسه با گاز اشک آور به دانش آموزان دست به دست نمی شود؟

اینها سوالاتی است که سال هاست خوی استکباری غرب جواب آن را داده است. تا زمانی که زیر بیرق تفکر غرب هستید، تمام ابزار های رسانه ای او حامی شما هستند اما همین که مانند نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دعوی استقلال و آزادی داشته باشید، هر جنایتی که در کشور رقم بخورد را با پوشش آزادی بیان و حقوق شهروندی به مخاطبان عرضه می کنند.

ردپای مظلومیت فلسطین در اعتراضات فرانسه

با وجود اینکه علت اولیه شکل گیری این حرکت، اعتراض به وضعیت مدارس بود، اما پس از مدتی شاهد به اهتزاز درآمدن پرچم فلسطین و کشور های محور مقاومت در این تجمعات بودیم. موضوعی که نشان می دهد مسئله محور مقاومت و در راس آن فلسطین، جزء مسائل مهم برای مردم دنیا و علی الخصوص قشر جوان است. در سال‌های اخیر، تصاویر جنگ غزه و وضعیت غیرنظامیان از طریق شبکه‌های اجتماعی به سرعت در اختیار جوانان قرار گرفت. برای بخشی از آنان، مسئله فلسطین با مفاهیمی مانند عدالت، حق تعیین سرنوشت و حمایت از غیرنظامیان پیوند خورده است.

حال باید دید دولت فرانسه تا کجا می تواند دست به سرکوب معترضین بزند. معترضینی که مطالباتشان دیگر محدود به چند مشکل آموزشی نیست. بلکه فراتر رفته اند و نسبت به نسل کشی در غزه نیز اعتراض دارند

در کنار این موارد، برخورد پلیس فرانسه با دانش‌آموزان و دانشجویان معترض، بار دیگر تناقض میان ادعاهای حقوق بشری دولت‌های غربی و عملکرد واقعی آنان را آشکار می‌کند. دولت‌هایی که همواره خود را مدافع آزادی، دموکراسی و حق اعتراض معرفی می‌کنند، در مواجهه با اعتراضاتی که منافع و سیاست‌هایشان را به چالش می‌کشد، به ابزارهای امنیتی و انتظامی متوسل می‌شوند. این رفتار نشان می‌دهد که آزادی بیان در نظام سیاسی غرب، بیش از آنکه یک حق همگانی و غیرقابل‌محدودیت باشد، گاهی به معیاری وابسته به نوع اعتراض و جهت‌گیری سیاسی معترضان تبدیل می‌شود. از همین رو، آنچه امروز در خیابان‌ها و دانشگاه‌های فرانسه جریان دارد، تنها یک اعتراض صنفی یا آموزشی نیست؛ بلکه آزمونی برای سنجش میزان پایبندی دولت فرانسه به همان ارزش‌هایی است که سال‌ها در عرصه بین‌المللی از آن‌ها سخن گفته است.

دانشجویی

سامانه ردا در مسیر خدمات رفاهی برای دانشجویان

۹۰ درصد دانشگاه‌های دولتی تا آذرماه به سامانه «ردا» متصل می‌شوند

سامانه ردا با هدف ایجاد زمینه‌ای جامع برای ارائه خدمات رفاهی به دانشجویان در حال توسعه است و مطابق برنامه‌ریزی سازمان امور دانشجویان، تا آذرماه ۹۰ درصد دانشگاه‌های دولتی به این سامانه متصل خواهند شد.

مجتبی بابایی، مشاور رئیس سازمان امور دانشجویان، در مراسم امضای تفاهم‌نامه «ردا» (رفاه دانشجویان ایران) با اشاره به سیر تکامل این طرح گفت: طی حدود دو سال گذشته تلاش شده است ظرفیت‌های مختلف برای ارائه خدمات رفاهی به دانشجویان شناسایی و به یک طرح عملیاتی تبدیل شود.

با توجه به اینکه حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار دانشجو در دانشگاه‌های مختلف کشور، از جمله دانشگاه‌های آزاد، پیام نور، سراسری و علوم پزشکی، در حال تحصیل هستند، هدف این طرح آن است که دانشجویان در سطوح مختلف بتوانند از خدمات این زیست‌بوم بهره‌مند شوند و «ردا» به‌عنوان یک پلتفرم اصلی، دسترسی به مجموعه‌ای از خدمات را فراهم کند.

در مرحله نخست، اتصال ۳۰۰ هزار دانشجو و ۵۰۰ مرکز خدماتی به سامانه ردا

در وهله اول، فعال‌سازی محیط سامانه و اتصال تعدادی از دانشجویان و ادارات رفاه دانشگاه‌ها در دستور کار قرار گرفته است.

به گفته مشاور رئیس سازمان امور دانشجویان، راه‌اندازی پنل ثبت‌نام آزمایشی، ارائه بسته‌های آموزشی ویدئویی، تعریف نظرسنجی و تعیین شاخص‌های عملکرد از اقداماتی است که در جهت تنظیم ساختاری مناسب برای این سامانه به عمل آمده است.

به گفته بابایی، بخشی از برنامه‌های اجرایی طرح برای اواسط آبان‌ماه پیش‌بینی شده و در این مرحله، ثبت‌نام و احراز هویت دانشجویان در سامانه دنبال خواهد شد. هدف‌گذاری شده است که حداقل ۳۰۰ هزار دانشجو در این مرحله به سامانه متصل شوند. همچنین پیش‌بینی شده است که حداقل ۵۰۰ مرکز خدماتی به این سامانه متصل شوند.

بر اساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، تلاش می‌شود در اواخر آبان‌ماه بخش قابل‌توجهی از دانشگاه‌ها و مراکز خدماتی به سامانه متصل شوند تا با ورود به آذرماه، روند بهره‌مندی دانشجویان از خدمات با سرعت بیشتری دنبال شود.

امیرچهکندی
دبیر کمیته علمی و پژوهشی

هفته‌نامه انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه بیرجند
سمعک ۲۶۳
سال بیست‌هفتم
هفته دوم
آبان ماه ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشگاه بیرجند
مدیر مسئول: مهدی نخعی
سردبیر: امیر جمالی
صفحه آرا: مهدیه کمالی

راه های ارتباط با ما
پیامک و تماس: ۰۹۹۳۳۴۰۷۶۲۹
ایمیل: samaak88@gmail.com
ایتا، اینستاگرام و روبیکا: @cafe_mostaghel

روش‌های مطالبه‌گری در نگاه رهبر شهید انقلاب

روش‌های مطالبه‌گری در نگاه رهبر شهید انقلاب

امیرمهدی اکبری
دبیر انجمن



مطالبه کردن از برکات انقلاب اسلامی بود؛ همان‌طور که امام، ملّت خمود و تسلیم را به ملّتی مطالبه‌گر تبدیل کردند. رهبر شهید نیز مشوق مطالبه‌گری بوده و بارها بر ضرورت، چگونگی و شرایط آن تأکید کرده‌اند.

اهمیت مطالبه‌گری به تحقق گفتمان انقلاب اسلامی کمک می‌کند است؛ زیرا عوامل انسانی دخیل در عملیاتی شدن گفتمان‌ها را به حرکت درمی‌آورد. مطالبه‌گری صحیح، مصداقی از ارزش‌های دینی است.

با دشمن مخرج مشترک پیدا نکنید

یکی از توصیه‌های رهبر انقلاب در دیدار با دانشجویان، مراقبت از سوءاستفاده دشمن از مطالبه‌گری بود: «در مطالبه‌گری‌ها ــ که من به شما توصیه‌ی مطالبه‌گری می‌کنم ــ مراقبت کنید، دشمن نتواند از مطالبه‌ی بحق شما سوءاستفاده کند؛ هم در صورت‌بندی مسئله، هم در راه حلّی که ارائه می‌دهید. سعی کنید با دشمن وجه مشترک و مانند این‌ها پیدا نکنید؛ مخرج مشترک پیدا نکنید با دشمن؛ چون او هم موضوعات را مطرح می‌کند دیگر، او هم مشکلات را مطرح می‌کند، هم صورت مسئله را او مطرح می‌کند، هم به‌اصطلاح علاج را و نتیجه‌گیری را مطرح می‌کند... او مُغرض است و از روی خیرخواهی انجام نمی‌دهد کار را.» ۱۴۰۲/۲/۶

چگونه می‌توان مطالبه‌گری کرد، اما دچار این آسیب نشد؟

ما در فضایی فارغ از دشمنی‌ها وارد کنشگری اجتماعی نمی‌شویم. عرصه را دست‌کم سه گروه رصد می‌کنند و در آن کنشگری دارند: اول، مردم؛ دوم، مسئولان یا گروه مطالبه‌شونده؛ سوم، دشمنان و مغرضان. از آنجا که هر سه گروه تحرکات ما را می‌بینند و به هر کنش ما واکنش نشان می‌دهند، باید ملاحظات این فضا را رعایت کنیم.

در طرح مطالبه باید از کلی‌گویی پرهیز کرد و مشکلات را با مصادیق دقیق بیان نمود. نباید یک ضعف یا فساد مشخص را به کل یک نهاد تعمیم داد؛ باید مرز مطالبه را مشخص کرد.

در نهایت، باید مرزبندی با دشمن را حفظ کرد؛ چراکه یکی از شیوه‌های او، القای نبود راهکار و اراده برای حل مشکلات و ایجاد ناامیدی در جامعه است. باید با نشان دادن راهکارهای موجود، انعکاس اقدامات مسئولان و گزارش پیشرفت‌ها با این جریان مقابله کرد و نشان داد مشکلات قابل حل‌اند.

ملاحظاتی برای جلوگیری از سوءاستفاده دشمن

رعایت ملاحظات، مرزبندی با دشمن را تسهیل می‌کند و اجازه نمی‌دهد از مطالبه‌گری شما سوءاستفاده شود. چند مورد را مرور می‌کنیم:

اولاً، موضوع مطالبه‌گری جبهه انقلاب ممکن است با محورهای عملیات روانی دشمن مشترک باشد؛ زیرا دشمن از غفلت‌ها، فسادها و فاصله وضع موجود با آرمان‌ها برای تخریب یا ناامید کردن جامعه استفاده می‌کند. این هم‌پوشانی نباید موجب محافظه‌کاری در مطالبه‌گری شود.

ثانیاً، رعایت ملاحظات شرعی و قانونی در انتخاب موضوع مطالبه‌گری، از آسیب‌هایی مانند همسویی با دشمن جلوگیری می‌کند.

یکی از مصادیق مهم، انتشار اسناد دارای مهر محرمانه است؛ این کار خلاف قانون و شرع است. می‌توان به محرمانه بودن اطلاعات اعتراض کرد و خروج آن‌ها از این وضعیت را مطالبه نمود؛ مشروط بر اینکه موافقان و مخالفان بتوانند آزادانه دلایل خود را بیان کنند.

ثالثاً، ابعاد موضوع را به‌طور کامل شناسایی کنید. مطالبه‌گری پیچیده است و نمی‌توان بدون اطلاعات وارد میدان شد. موافقان، مخالفان و بی‌طرفان را رصد کنید و استدلال‌هایشان را بشنوید.

رابعاً، با شناخت ابعاد موضوع، مسئول دقیق ماجرا را شناسایی کنید؛ تعمیم ندهید و نقطه‌زنی کنید. اگر قانون مشکل دارد، با نمایندگان وارد گفت‌وگو شوید؛ اگر مشکل در اجراست، دستگاه متولی را شناسایی کنید و با آن گفت‌وگو کنید.

بسیاری از این مسائل پاسخ دارند، اما مشکل اینجاست که گفت‌وشنودی میان دانشجویان و مسئولان وجود ندارد. ضروری است وزرا و مسئولان دستگاه‌ها با حضور در دانشگاه‌ها به مطالبات پاسخ دهند و اگر در مسئله‌ای پاسخی نداشتند، از پیشنهادهای دانشجویان برای حل آن بهره بگیرند.

مطالبه‌گری، مسیری دشوار است که به شناخت دقیق مسائل، پیگیری مستمر و حوصله نیاز دارد. باید ابعاد مسئله را شناخت، مسئول مربوط را مشخص کرد و با پیگیری مستمر، مطالبه را تا رسیدن به نتیجه دنبال کرد.

لطفا نظرات، انتقادات، پیشنهادات و مطالبات خود را به شماره ۰۹۹۳۳۴۰۷۶۲۹ و یا به ادمین کانال: Cafe_mostaghel ارسال فرمایید. همه نظرات و انتقادات شما در همین قسمت، در نشریه‌ی بعدی منتشر خواهد شد.

	4				2		1	9
			3	5	1		8	6
3	1			9	4	7		
	9	4						7
2						8	9	
		9	5	2			4	1
4	2		1	6	9			
1	6		8				7	

علاقه‌مندان می‌توانند فایل pdf نشریه را از پیام‌رسان روبیکا، ایتا و اینستاگرام مشاهده کنند. قطعاً نظرات و انتقادات شما باعث پیشرفت نشریه خواهد شد.

(دانش یار)
(زیلینک انجمن)
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه بیرجند ۱۳۸۸